

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۶، شماره ۶۱، پاییز ۱۴۰۳، صص ۱۸۱-۱۹۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۰

(مقاله پژوهشی)

DOI:

بررسی ویژگی‌های سبکی و محتوایی نسخه خطی ثلاثه العرایس و لذه النفايس اثر حاجی

علی بن حاجی الله وردی کاشی ساز مشهدی

شکوفه باقری^۱، دکتر شبیم حاتم‌پور^۲، دکتر فرزانه سرخی^۳، دکتر فریدون طهماسبی^۴

چکیده

تاریخ گذشته این سرزمین در بطن خود حاوی حوادث و وقایعی است که به قطع و یقین بسیاری از پژوهش‌ها به آن اشاره‌ای نکرده‌اند؛ بنابراین پرواضح است که معرفی متون تاریخی گذشته، نقش بسیار مؤثری در آشکار ساختن زوایا و خفایای مبهم و تاریک گذشته را دارد. نسخه خطی ثلاثه العرایس و لذه النفايس، اثر حاجی علی بن حاجی الله وردی کاشی ساز مشهدی، یکی از نویسندگان گمنام عصر صفوی در قرن دوازدهم هجری قمری است. نویسندگان در این مقاله به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی به معرفی نویسنده و اثر ارزشمند وی پرداخته‌اند. موضوع کتاب، حکایاتی است که نویسنده آن‌ها را از جرح و تعدیل و تحریف وقایع معروف تاریخی و روایات مشهور فراهم آورده است. در قسمت‌هایی از حکایات، توجه به ائمه (ع) به چشم می‌خورد. نویسنده در کتاب خود، همانند گذشتگان سعی نموده است از شیوه زبانی آنان، تقلید نماید تا اثرش مورد عنایت اهل فضل قرار گیرد؛ به همین سبب به وفور از کاربردهای قدیم زبان، استفاده کرده است. نثر این کتاب از نمونه‌های نثر مرسل قرن یازدهم است. نثری آمیخته به نظم دارد و سرشار از عبارت‌پردازی، ابیات و اشعار دیگر شاعران است. از ویژگی‌های مهم متن، اطناب و به‌کارگیری جملات طولانی است و از میان صناعات ادبی، می‌توان به انواع سجع، موازنه، جناس و هم‌آوایی اشاره نمود که نقش بسیار گسترده‌ای در ایجاد موسیقی کلام دارد. همچنین از میان صورخیال، تشبیه و استعاره هم زیاد به کار رفته است. اکثر اشعار به کار رفته در متن، از شاعران گذشته همچون فردوسی، سعدی و حافظ است.

کلید واژه‌ها: نسخه خطی، حاجی علی بن حاجی الله وردی کاشی ساز مشهدی، ثلاثه العرایس و لذه النفايس، سبک‌شناسی، عصر صفوی، داستان‌نویسی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

shekofeh.bagheri1401@gmail.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. (نویسنده مسؤل)

shabnamhatampour@gmail.com

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

sorkhifarzane@gmail.com

^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

drftahmasbi@yahoo.com



مقدمه

یکی از راه‌های شناسایی فرهنگ هر ملت، مراجعه به میراث مکتوب بررسی و شناخت نسخ خطی آن ملت است. از این رهگذر، پی بردن به زبان نوشته‌ها، سبک اندیشه‌های آنها و شناخت آداب و رسوم و فرهنگ آن ملت، سودمند است. نُسخ خطی با توجه به اهمیت و پیشینه تاریخی و قدمت و دیرینگی آن‌ها، باید به شایستگی، نگهداری و محافظت شوند و در دسترس پژوهشگران و محققان قرار داده شود تا در جنبه‌های گوناگون، مورد بررسی و تحقیق قرار گیرند.

تلاش نویسندگان در این پژوهش برای معرفی یکی از این نسخ ناشناخته در حوزه ادب فارسی است که در عصر صفوی (قرن دوازدهم) نوشته شده است. داستان‌های منثور این دوره، گاه، تحریری نوین از داستان‌های قدیم و گاه روایتی تازه از آن‌هاست و مشتمل بر حکایت‌ها و داستان‌های منثور، آمیخته با شعر فارسی است. اهمیت نوشتار حاضر در این است که پژوهشگران و علاقه‌مندان به نثر فارسی با نسخه خطی *ثلاثة العرایس* و *لذة النفايس* آشنا می‌شوند که معرفی و تصحیح آن می‌تواند برای بسیاری از دوستداران حوزه داستان‌نویسی مفید و راهگشا باشد. جستار پیش‌رو برای پاسخ به این پرسش نگارش شده است که مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی نسخه *ثلاثة العرایس* و *لذة النفايس* چیست؟ و از لحاظ بُعد داستان‌نویسی، این کتاب چه اهمیتی دارد؟

معرفی این اثر نسخه خطی ضمن شناساندن آن به جامعه ادبی، موجب تشویق مخاطبان به خواندن و فهم اطلاعات تاریخی آن می‌کند. همچنین سبک‌شناسی این اثر به شناخت بیشتر شیوه سبک نثر در عصر صفوی کمک می‌کند. این اثر تاکنون در ایران تصحیح و چاپ نشده و درباره ویژگی‌های سبک‌شناسی آن پژوهی صورت نگرفته است.

یکی از نویسندگان این عصر، حاجی علی‌بن حاجی الله‌وردی کاشی‌ساز مشهدی است. نویسنده‌ای گمنام که تاکنون به‌جز نسخه مذکور، اثر دیگری از وی به دست نیامده است. از نسخه خطی *ثلاثة العرایس* و *لذة النفايس*، فقط یک نسخه خطی در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد. این اثر، کتابی مهم و ارزشمند در زمینه داستان‌نویسی و رمان است که با قلم توانمند خود نویسنده به کتابت و نگارش درآمده است. موضوع این کتاب، افسانه و حکایاتی است از حاجی علی بن حاجی الله‌وردی کاشی‌ساز مشهدی که مؤلف، آن را از جرح و

تعدیل و تحریف و تغییر وقایع معروف تاریخی، فراهم آورده و با سود جستن از اشعار فردوسی و دیگر شاعران همچون سعدی، حافظ و مولانا و ضرب‌المثل‌های گوناگون، روح حماسی و ادبی در آن دمیده است. قهرمان داستان، نوشاد برادرزاده شاپور شاه می‌باشد که با دلآوری‌های خارق‌العاده‌ای، تمام دشمنانش را از پای درمی‌آورد. از شخصیت‌های مهم داستان، کیامر، کیهور، ارنواز، رشنواز، بابا و ارقمش می‌باشند. در قسمت‌هایی از حکایات، توجه به ائمه (ع) به چشم می‌خورد و قهرمان داستان در مشکلات از حضرت علی (ع)، مدد می‌جوید: «یا علی یا صاحب تیغ دو سر / بر غلام خویشان کن یک نظر». داستان‌ها از مضامین حماسی سود جسته‌اند و نویسنده از شاخص‌های ادبیات حماسی که عمدتاً در شاهنامه دیده می‌شود، بهره برده است. مواردی از قبیل تقابل خیر و شر، پیروزی خیر بر شر، قهرمان‌پروری، دلآوری و پهلوانی، وجود نیروهای ماورالطبیعه و انتقام از دشمن از جمله ویژگی‌های حماسی این داستان‌هاست. با توجه به آنکه حماسه‌های مصنوع، همواره، نقطه عطف پیوند گذشته و حال بوده‌اند؛ توجه به مضامین این داستان‌ها و ساختار حکایت‌ها می‌تواند، نکته‌های با ارزشی درباره این نوع ادبی در دوره یاد شده در خود داشته باشد.

پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه در حدود یک قرن از احیا و تصحیح نسخه‌های خطی می‌گذرد. هنوز نسخ زیادی وجود دارند که گمنام باقی‌مانده و تصحیح نشده‌اند. حاجی علی بن حاجی الله‌وردی کاشی‌ساز مشهدی از جمله نویسندگان عصر صفویه است که برای اهل ادب، ناشناخته است. موضوع و محتوای نسخه خطی *ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ وَ لَذَّةُ النَّفَایِسِ*، در زمینه رمان و داستان است که تاکنون تصحیح نشده و هیچ‌گونه پژوهش و تحقیقی در رابطه با آن صورت نگرفته است. نویسنده در رساله دکتری خود، برای اولین بار، درصدد تصحیح این نسخه برآمده است. در فهرستگان نسخه‌های خطی (فخنا) به‌طور خیلی خلاصه از این نسخه خطی و مؤلف آن ذکر شده است. (ن.ک.درایتی، ۱۳۸۸: ۵۰۳)

روش تحقیق

در این پژوهش نویسندگان به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی به معرفی نویسنده، حاجی علی بن حاجی الله‌وردی کاشی‌ساز مشهدی و اثر ارزشمند وی پرداخته است.

مبانی تحقیق

معرفی نسخه خطی *ثلاثة العرایس* و *لذة النفايس*

نسخه خطی *ثلاثة العرایس* و *لذة النفايس* در کتابخانه آستان قدس به شماره ۱۶۶۴۲ به ثبت رسیده است. نسخه با جمله: «و رو به دلاورانی نمود که حکیم خان چقدر کم رتبه بود...» آغاز شده و با جمله: «نام این کتاب تاریخ را *ثلاثة العرایس* نهادیم و «*و لذة النفايس*» هم خواندیم... من بنده گنه کارم در روز بیست و هشتم جمادی اول، به اتمام رسید در سنه ۱۱۲۶ قمری» به پایان رسیده است. این نسخه، همان‌گونه که از سطور پایانی آن برمی‌آید، در روز بیست و هشتم ماه جمادی‌الاولی سال ۱۱۲۶ قمری در قرن دوازدهم به نگارش درآمده است. نسخه موردنظر در ابعاد ۳۰ در ۱۹ سانتی‌متر و در ۲۷۵ صفحه نوشته شده است و هر صفحه دارای ۲۷ سطر به خط نستعلیق است. عناوین کتاب به خط سرخ نوشته شده و رنگ کاغذ نسخه، نخودی و نوع جلد، اسقاطی است. نسخه در تاریخ دی‌ماه ۱۳۶۷ به وسیله واقف، محمد ناصر متقیان به کتابخانه آستان قدس اهدا گردید.

بحث

ویژگی‌های رسم‌الخطی نسخه

نویسنده در نگارش کلمه‌ها دقت زیادی ندارد و گاه واژه‌ها به صورت غلط‌های املائی نوشته شده‌اند. برخی از ویژگی‌های رسم‌الخط نسخه عبارت‌اند از:

- نوشتن کلمات با واو معدوله: «دیوان خوانه» (همان: ۱)، «خواور» (همان: ۳).
- پیشوند فعلی «نه» گاهی جدا و گاهی پیوسته از فعل نوشته شده است: «نه پیچد» (همان: ۲)؛ «نه بخشید» (همان: ۳).
- نوشتن واژه‌ها با رسم‌الخط و املائی دیگر: «اصلحه» (همان: ۲)، «سرخص» (همان: ۲)، قربال و قلابار (همان: ۵)، «طابوت» (همان: ۶)، «پاتک» (همان: ۶)، «مظراب» (همان: ۶)، «هکیم» (همان: ۸)، «کشش» (همان: ۸).
- نوشتن «ی» نکره (ضمیر متصل دوم شخص) در اتصال به «های» غیرملفوظ به صورت همزه: «چنان نعره زد» (همان: ۴)؛ «چه کرده» (همان: ۵).
- واژه «دوم» و «سوم» و «شش» در اکثر موارد به صورت «دویم/دیم» و «سیم» و «شیش» نوشته شده است: «دیم و سیم» (الله‌وردی: ۶)، «شیش» (همان: ۶).

-گاهی «ی» میانجی به صورت بزرگ و با حذف «ه» بیان حرکت نوشته می شود: «جهندی و دوندی» (همان: ۷).

-«های» بیان کسره در اتصال به «ی» مصدری، «ی» نسبی و «ان» جمع، حذف نشده است: «برنده گی» (همان: ۸)، «زنده گی» (همان: ۸).

-«گ» در تمام موارد با یک سرکش نوشته شده است: «واکذاشت» (همان: ۱۰).

-حرف اضافه «به» در تمام موارد به اسم بعد از خود متصل است: «بامر» (همان: ۱۰)، «یک بیگ» (همان: ۱۰).

- در بیشتر موارد، حرف ندای «ای» به کلمه پس از خود چسبیده است: «ایملک» (همان: ۱۰)

- کلمه «یک» در تمام موارد به کلمه بعد از خود متصل نوشته شده است: «یکتن» (همان: ۱۰).

-در همه موارد، پسوند استمراری «ی» چسبان به فعل آمده است: «میدرانم» (همان: ۱۰).

-در بیشتر موارد همزه آغازین فعل ربطی «است»، محذوف است: «اوست» (همان: ۱۰).

-حرف ربط «که» در بیشتر موارد به کلمه قبل از خود متصل است: «همینکه» (همان: ۱۰).

-«ی» نکره و اضافه و همچنین شناسه «ای» جانشین افعال اسنادی در کلماتی که به «های»

غیرملفوظ مختوم شده و به صورت همزه آمده و گاهی ذکر نشده است: «پرده افق» (همان: ۱۰).

-«بی» در بیشتر موارد به کلمه بعد از خود چسبیده است: «بیمهر» (همان: ۱۰).

-در بیشتر موارد «آ» بدون مد، کتابت شده است: «برامد» (همان: ۱۰).

ویژگی های سبکی

در عصر صفوی، نثر فارسی با وجود آنکه به دنبال حوادث و تلخ کامی های به وجود آمده از هجوم قوم تاتار و تیموریان، به مرور صلابت و استواری پیشین قرون پنجم تا هشتم هجری را از دست می دهد؛ اما نویسندگان بسیاری در ایران و هند و آسیای میانه و آسیای صغیر، آثار قابل توجهی در شاخه ها و موضوعات مختلف از خود بر جای نهادند.

«زبان فارسی و در پی آن، نثر فارسی در این دوره، وضع خاصی یافته بود. از طرفی، زبان دربار پادشاهان صفوی به سبب ترک زبان بودنشان، ترکی شد و این خواه ناخواه تأثیر خود را بر زبان و نثر فارسی نهاد. از این رو، شاهد افزونی واژگان و ترکیبات ترکی و مغولی در زبان و نثر فارسی این دوره به ویژه در آثار آنان که به نوعی به دربار و حکومت وابسته بودند، هستیم.

زبان و ادب عربی نیز که از سده‌های چهارم و پنجم هجری، تأثیر خود را بر نثر فارسی نهاده بود، در این دوره بر اثر اختلاف‌های مذهبی و سیاسی صفویان با عثمانیان و در نتیجه کوچیدن بسیاری از علمای شیعه از جبل‌عامل لبنان و شام و عتبات عالیات به ایران، رواجی بسیار یافت و نویسندگان بسیاری، افزون بر تأثیرپذیری از صرف و نحو عربی و واژگان و ترکیبات آن، کتاب‌های خود را نیز به‌ویژه در حوزه دین و حکمت و فلسفه به این زبان نوشتند. از دیگر ویژگی‌های نثر این دوره، اطناب و اسهاب و تکرار مترادفات است و این بیشتر در نثرهای تاریخی و توصیفی و یا در منشآت به‌ویژه در سلطانیات دیده می‌شود. در بیشتر کتاب‌های تاریخی، مؤلف در دیباچه و همه سرفصل‌های کتاب، سخن را تا آنجا که در توانایی اوست به درازا می‌کشد و هرگاه مقصودش تنها ذکر واقعه و رویدادی است، کلامش به‌سادگی میل می‌کند.» (صفا، ۱۳۸۲: ۴/۵۵۸).

ویژگی‌های زبانی

استفاده از اشعار شعرای قبل

هیچ بیداری نباشد خفته‌ایش اندر کمین چون که در خوابی بترس از چشم بیدار کسی
(قصاب کاشانی، ۱۳۶۸: ب ۱۲۴۲)

گریزی به هنگام با سر به‌جا به از پهلوئی که سر زیر پا
(فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۴: ب ۲۴۸)

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال
(سعدی، ۱۳۹۵: ب ۲۱۵۴)

- استفاده از آیات و احادیث: «بار دیگر، چه جهت وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ تو بشنو» (همان: ۲۳)

- استفاده از جمله معترضه: «بارالها اگر از این مهلکه، خلاص شوم، می‌روم بقعه اسکندری به زیارت بضعه احمدی صلی‌الله علیه و اله وصلّم» (همان: ۳۵)، «عیار از ترس بر درخت قوی بالا رفت و گفت سبحان‌الله، بخت از من برگشته.» (همان: ۸۴).

- نمودن به معنای کردن: «به شیران نظر نمود.» (همان: ۱)، «نوشاد برادرزاده خود را مرخص نمود.» (همان: ۲).

- «فرمود» به معنای کرد: «بعد امر فرمود» (همان: ۶)، «نظر بفرمود.» (همان: ۷)

«گشت» به جای «شد»: «نمودار گشت.» (همان: ۷)

«ساخت» به جای کرد: «منور ساخت.» (همان: ۳۶)

«بر» به معنای «به»: «بر کله کیهور زد» (همان: ۵)، «چشم ارنواز بر کیهور افتاد.» (همان: ۵)

حذف «می» مضارع اخباری و مضارع استمراری: «فردا یک تن از ایشان زنده نگذارم» (همان: ۹)، «راوی گوید.» (همان: ۱۰)

استفاده از اصطلاح همانند: القصه، «القصه، چهار هزار نامرد بر خاک هلاک ریخت.» (الله‌وردی: ۷)، «القصه تیر بر دختر انداخت.» (همان: ۷)

حذف فاعل به قرینه لفظی: «دختر چون شیر مست، خود را بر لب خندق رسانید و نعره الله‌اکبر از جگر برکشید و در ته دل، آهسته گفت یا علی و از خندق جستن نمود و خم شد و دسته عمود را گرفت و روانه آن برج شد.» (همان: ۷)

حذف فعل به قرینه لفظی و معنوی: «مخالفتان از ضرب دست او گریزان، صدای الحذر الحذر بلند گردید.» (همان: ۸)؛ «دست ادب بر سینه و پای عزت جفت نمود.» (همان: ۱۰)

استفاده از افعال وصفی: «چرا این همه فتنه برپا کرده و آشوب انگیخته؟» (همان: ۹)

تکرار (فعل، اسم، حرف): «غلامی را فرمود که خبر بیاور چه واقع شده... چه شده و سرداران ما را چه بر سر آمده.» (همان: ۳). «کیامرز هم نیزه بر نیزه او انداخت. به نیزه در جنگ مشغول شدند.» (همان: ۴)، «چه از من و چه از تو و چه از برادرت.» (همان: ۷۲)

تکرار اعداد برای شمارش: «ملازمان یک یک دست کیهور را بوسیدند.» (همان: ۴۶).

جایجایی اجزای جمله: «بزنید دوال بر طبل جنگ» (همان: ۴۶)؛ «بیارید نعش او را» (همان: ۱۳)

جمله شرط با ادوات شرط و «ی» استمراری در آخر فعل: «اگر تو مرا بر زمین زدی، تو را اختیار می‌کنم؛ اگر من تو را بر زمین زدم...» (همان: ۴۵).

ویژگی‌های ادبی

تشبیه: «نوشاد چون شیر غرش کشید» (همان: ۱۱)، «همچنان نعره‌ای کشید آن چنان که پلنگ در کوه گریخت.» (همان: ۱۹)، «حیف جمالت و این صفحه صورت که از خون رنگین شود.» (همان: ۱۸)

استعاره مصرحه: «من نوشادم با اجل، دست به گریبان شدی.» (همان: ۱۸).

کنایه: «خسرو خان، انگشت بردیده نهاد و روانه شدند.» (همان: ۲۴)؛ «ملازمان خرم بهادر با گریبان دریده رسیدند، شیون بر فلک شد.» (همان: ۲۵). «چهار هزار نامرد بر خاک هلاک ریخت.» (همان: ۷)

اغراق: «نعره علی علی از دل برکشید که در دشت بیابان به لرزه درآمد.» (همان: ۱۴)، «شب سیاه خورشید، روشن شد به عین روز می‌تابید.» (همان: ۲۳)، «آتش، خرمن خرمن بر سپهر اخضر زبانه کشید.» (همان: ۲۵)

تضاد: «شب را چون روز روشن نمودند.» (همان: ۷۳)، «صدا در کوه‌ها و بر و بحر بیابان پیچید.» (همان: ۲۵)

تلمیح: «نگارنده نقاش مانی فریب حریر سخن را چنین.» (همان: ۲۳).

حسامیزی: «بانو آهی کشید و تلخ بگفت.» (همان: ۱۰)

طنز: «ای ملک زاده، عجب واعظ شیرین‌زبانی! برو، عمامه بگذار.» (همان: ۱۱)

عکس و قلب: «بعد، دست چپ بر گرده راست و دست راست بر گرده چپ.» (همان: ۱۲)

مراعات نظیر: «طاعت الله تعالی فرض است.» (همان: ۴۵)

واج آرایبی: «نیزه‌ها بر ترک تارک یکدیگر زدند.» (همان: ۲۵)؛ «از هر سرگردان که شلاق شایق

ابلق شایق گردید.» (همان: ۸)

ضرب‌المثل: «شیری که از پستان مادر خورده بود در ریشه دندانش به لذت درآمد.» (همان:

۲۵)

مختصات آوایی

جناس مضارع: «مرکبان گوش به گوش و راکبان دوش به دوش.» (الله‌وردی: ۱۱)

جناس اشتقاق: «سینه را چون عاشق به معشوق یا چون طالب به مطلوب در برگرفته.» (همان:

۱۸)

سجع متوازی: «نه ایرا ظفر نه او را خطر نه او را خطر نه ایرا ظفر.» (همان: ۷۳)

ویژگی‌های فکری

با بررسی نسخه خطی ثلاثه العرایس و لذته النفایس می‌توان گفت که تمرکز و توجه مؤلف

معطوف به محتوا و اندیشه حاکم بر اثرش بوده است.

عشق به پیامبر (ص)

نویسنده در خلال داستان‌هایی که روایت کرده، دل‌باختگی و عشق خود را به پیامبر اسلام (ص) نشان داده است و با توجه به محتوای کتاب به وضوح می‌توان به این نتیجه رسید که حاجی علی بن حاجی الله‌وردی، ارادت ویژه‌ای به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) آن بزرگوار داشته است و در جای‌جای داستان‌ها، از اسامی و القاب و عناوین مختلفی برای آن حضرت بهره برده است.

«بارالها اگر از این مهلکه خلاص شوم، می‌روم بقعه اسکندری به زیارت بضعه احمدی، صلی الله علیه و اله و سلم.» (همان: ۳۵)، در ادامه داستان، نویسنده از زبان یکی از شخصیت‌های داستان در خصوص اهمیت ذکر صلوات می‌گوید: «یک صلوات بر شصت یک تار گیسوان عنبرفشان ختم [شاه] عرب محمد مصطفی بفرست.» (همان: ۳۵).

نویسنده داستان، لقب شاه عرب را برای پیامبر اسلام (ص) بکار برده است: «عرض ای شهنشاه عرب و عجم، فدایت گردم پا در آستانت نخواهم گذاشت تا آستانت را ازین سگان که اولاد هارون و مأمونند به قتل نرسانم.» (همان: ۸۲)

منقبت بزرگان دین و اهل بیت

منقبت، گونه‌ای از مدح است؛ زمانی که شاعر یا نویسنده به مدح و وصف ائمه دین از حضرت علی (ع) تا آخرین فرزند او می‌پردازد، به این گونه مدیحه‌سرایی، منقبت می‌گویند. یکی از شاخصه‌های ادبیات عصر صفوی توجه به مباحث معارف شیعی است. منقبت در ادبیات فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد؛ اما در عصر صفوی، از ویژگی برجسته‌ای برخوردار است. با روی کار آمدن حکومت صفویه، مذهب تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور معرفی شد. به همین دلیل، شاعران و نویسندگان با تکیه بر اعتقاد راسخ خود به شعر و ادبیات منقبت، روی آوردند. در نسخه خطی ثلاثه العرایس و لذة النفايس، نویسنده، بسیار عشق و ارادت خود را به حضرت علی (ع) نشان داده است.

کمک گرفتن از حضرت علی (ع) هنگام مواجهه با مشکلات و سختی‌ها، یکی از اندیشه‌های ناب تشیع است.

«هرچند تیر و سنگ بر آن حرامزادگان انداختند، ثمر نبخشید. کار بر ایشان تنگ شد. دست نیاز به درگاه بی‌نیاز برداشتند و یا علی‌گویان در مناجات بودند... جمعی در کوه، قرار گرفته‌اند و

بعضی در بالای کوه یا علی یا علی میگویند.» (همان: ۵).

زیارت به معنای حضور در پیشگاه پیشوایان دینی یا رفتن به مزار و قبور آنان یا دیدن مکانی مقدس یا محترم برای اظهار ارادت و احترام و کسب فیض معنوی است. زیارت، نزد شیعیان جایگاه ویژه‌ای دارد. این عمل، از ویژگی‌های و نمادهای تشیع به حساب می‌آید. در نسخه خطی ثلاثه العرایس، مؤلف کتاب، زیاد به موضوع زیارت بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) اشاره کرده است.

«رو به سوی قبله [کنم] قبول و دعا به سلطان خراسان، علی ابن موسی‌الرضا صلوات الله سلامه علیه.» (همان: ۳۵)

در داستان برای رفع مشکل و گرفتاری، یکی از شخصیت‌های داستان، نذر می‌کند تا به زیارت بارگاه امام رضا (ع) برود: «من نذر کرده‌ام به زیارت علی ابن موسی‌الرضا روم فردا.» (همان: ۵)

در داستان چنین آمده است که موقعی که ارسلان خان به بارگاه پادشاه احضار شد، ارسلان خان وقتی وارد خراسان گردید؛ ابتدا به زیارت امام رضا (ع) و سپس به دربار پادشاه، قدم گذاشت. «بعد از مشرف شدن به خدمت علی ابن موسی‌الرضا (ع) و بعد به خدمت شاه...» (الله‌وردی: ۱۱۰)

صداقت و راستی

راست‌گویی، یکی از فضایل اخلاقی و از مصادیق برجسته گفتار نیک است. در آداب و رسوم پارسی «زشت‌ترین کارها دروغ‌گویی» بوده است.» (رضی، ۱۳۸۲: ۲۶۱). نویسنده کتاب ثلاثه العرایس و لَذَّةُ النَّفَایس، در بیان داستان خود به این فضیلت اخلاقی، بسیار توجه داشته و در دیالوگ‌هایی که بین شخصیت‌های داستان، رد و بدل شده، به اهمیت صداقت و راستی اشاره کرده است: «بانو گفت، راست گفتمی به جهت راستی از سر کشتن تو درگذشتم.» (همان: ۵۴)

در این داستان، گاهی آزادی اسیر به خاطر صداقت و راستی‌اش بوده است: «نوشاد فرمود تو را امان دادم به شرط راستی.» (۸۶).

صداقت و راستی باعث رستگاری در دنیا و آخرت و پیروزی می‌شود:

راستی آور که شوی راستگار راستی از تو، ظفر از کردگار (همان: ۱۲۰)

ذکر و دعا

ذکر، یکی از برترین فضایل اخلاقی است که می‌تواند به زبان و یا قلب باشد. از آنجا که خدا، خود دارای همه کمالات است و همه آنچه از کمالات که انسان‌ها بتوانند به آن دست یابند؛ به واسطه رحمت پروردگار است، پس فضیلتی برتر از ذکر خدا نیست. در کتاب *ثَلَاثَةُ الْعَرَائِسِ وَ لَذَّةُ النَّفَائِسِ*، نویسنده در بسیاری از موارد از زبان شخصیت‌های داستان، برای پیروزی در جنگ، از نام مبارک ائمه اطهار به‌ویژه حضرت علی (ع) و امام رضا (ع) استمداد می‌طلبد:

«کیاهور در ته دل، نالید. غرُش یا علی برآورد و لنگر انداخت.» (همان: ۴۶) و در ادامه داستان آمده: «دستی بر گریبان و دستی بر [خنجر] کرد که فریاد یا علی ولی‌الله از جگر برکشید و [کمند] قد قامت صلاه بر سر دست، علم نمود.» (همان: ۵)

«عرض کرد، راز خود را بگوی، به‌حق علی ابن موسی‌الرضا (ع) که یکی از ملازمان توأم.» (همان: ۵۳)

«نعره یا علی یا علی یا علی بلند شد که در دشت به لرزه درآمد.» (همان: ۷۱).

توبه

توبه در لغت به معنای بازگشت از خطا و پشیمانی از گناه است. ملاً مهدی نراقی در تعریف توبه گوید: «توبه، پاک ساختن دل از گناه و بازگشتن از دوری درگاه الهی به نزدیکی است.» (مجتبوی، ۱۳۶۶، ج: ۳، ۶۵). در کتاب *ثَلَاثَةُ الْعَرَائِسِ*، بسیاری از شخصیت‌های داستان، گاهی نسبت به عملکرد خود پشیمان شده و توبه کرده‌اند. در داستان چنین آمده موقعی که جهان‌سوز در جنگل، شیری را دید: «شیر چون دید پیاده بر درخت بالا رفت خود را به درخت رسانید و هر دو پا بر زمین و هر دو دست بر درخت نهاد. چنانکه درخت به لرزه درآمد. جهان‌سوز محکم بر درخت چسبید. اشکش ریخت. گفت خدایا توبه کردم به دوستان علی (ع) بد نکنم.» (همان: ۸۵). همچنین از سیاق سخن چنین برمی‌آید که توبه دادن افراد گنه‌کار، مرسوم بوده است: «اما کیامرز بابا سر دارا را بتراش و لباس مقطع او را بپوشان و او را توبه ده تا دیوانگی نکند.» (همان: ۱۲۵)

انشاء الله گفتن

یکی از سفارش‌های دین مبین اسلام این است که برای انجام دادن هر کاری باید «انشاءالله» گفته شود. خداوند در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره «کهف» می‌گوید: «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكِ

عَدَاً إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَ اذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا» و تو هرگز درباره چیزی مگو که من این کار را فردا خواهم کرد؛ مگر آنکه بگویی (ان شاء الله) اگر خدا بخواهد و چون فراموش کنی باز خدا را به یاد آر و به خلق بگو (این قدر بر سر قصه یاران کهف، بحث و جدل بر پا نکنید که) امید است؛ خدای من، مرا به حقایقی بهتر و علمی برتر از این قصه، هدایت فرماید. مؤلف کتاب در این داستان، از عبارت *إِنْ شَاءَ اللَّهُ*، بسیار بهره برده و در جای جای کتاب خود استفاده کرده است.

«إِنْ شَاءَ اللَّهُ در مراجعت، مطلب تو برآورده نمایم.» (الله‌وردی: ۷۸)

«تا فردا *إِنْ شَاءَ اللَّهُ* من بر سر ایل ایشان می‌آیم.» (همان: ۱۰۲)

«*إِنْ شَاءَ اللَّهُ* فتح با ماست.» (همان: ۱۲)

ریا و تزویر

یکی از رذایل اخلاقی تزویر و خودنمایی در جمع است. تظاهر و ریا به معنی خودنمایی کردن، چیزی را ظاهراً به خود بستن و نوعی عوام‌فریبی است. مؤلف *ثلاثه العرایس*، در داستان خود، از زبان شخصیت‌ها، به این رذیلت اخلاقی، بسیار اشاره کرده است.

«کیاهور به ملازمان فرمود؛ کسی عقب من نیاید و مرکب به جولان درآورد. سر متعاقب آهو نمود تا عصر به هر تزویر که خواست آن حیوان را صید نماید.» (همان: ۱۰۶)

«عرض کرد به آن کس که دم از محبت او می‌زنی که من با تو تزویر ندارم.» (همان: ۴۵)

حق نان و نمک

رعایت «حق نان و نمک»، یکی از اصول جوانمردی است. جوانمردان به این اصل، بسیار پایبند بوده‌اند و هرگز حق نان و نمک را زیر پا نمی‌گذاشتند. جالب‌تر آنکه حتی کسانی که با وجود داشتن روحیه و طبع جوانمردی، گاهی کارهای ناروا انجام می‌دادند، این اصل را به‌طور کامل رعایت می‌کردند. در داستان *ثلاثه العرایس*، موارد زیادی از این مرام عیاران به چشم می‌خورد:

«فریاد زد که ای ماه سیمما، حق نمک منصور نداشتی، بر ما یاغی شدی.» (همان: ۹)

«و عمویت را حاکم هرات گردانید و ملک ولایت به شما ارزانی داشت. این حق نمک است

که بجا می‌آوری؟ مکن.» (همان: ۹)

«وزیر عرض کرد که قربانت؛ این جوان را پنهان کن از برادرت چرا که این جوان حق نمک

من بسیار دارد.» (الله‌وردی: ۵۶)

چشم‌زخم

در رابطه با موضوع چشم‌زخم، در قرآن، اشاره مستقیم به آن نشده است؛ اما برخی آیات از جمله، آیه زیر را: «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَكْرُومٌ» (قلم/۵۱) بعضی از مفسران به این قضیه مربوط می‌دانند و در احادیث، به این موضوع به‌صراحت اشاره شده است. در نسخه خطی ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ، بسیار به این اعتقاد عوام اشاره شده و نویسنده به آن اشاره کرده است.

«گفت ای پهلوان من خود به حرب این بی‌مروت می‌روم؛ مبدا چشم‌زخمی به تو رسد.»

(همان: ۱۵)

«کیاهور گفت، حریف پر زور است. خبردار خود باش. مبدا چشم‌زخم به تو رسد.» (همان:

۵۶)

نتیجه‌گیری

نسخه خطی ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ وَ لَذَّةُ النَّفَيسِ، اثر حاجی علی‌بن حاجی الله‌وردی کاشی‌ساز مشهدی، یکی از نویسندگان گمنام عصر صفوی در قرن دوازدهم هجری قمری است. در خصوص زندگینامه شخصی نویسنده، با جستجو در منابع کتابخانه‌ای، هیچ‌گونه اطلاعاتی در دست نمی‌باشد. داستان‌های این کتاب، مشتمل بر حکایت‌ها و داستان‌های منثور آمیخته با شعر فارسی با محتوای غنائی و حماسی است. با توجه به اینکه نثر کتاب ساده و مرسل است؛ ولی در جای‌جای کتاب، نویسنده، بسیار از آرایه‌های ادبی استفاده کرده است. مهم‌ترین ویژگی زبانی این اثر، استفاده از ابیات و اشعار دیگر شاعران، استفاده از آیات و احادیث، جابجایی صفت و موصوف، کاربرد افعال در معانی دیگر، حذف «می» علامت ماضی استمراری و مضارع اخباری، حذف به قرینه لفظی و معنوی و کاربرد آرایه تکرار است.

مهم‌ترین ویژگی‌های بلاغی نسخه ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ، کاربرد صور خیال، همچون تشبیه، استعاره و کنایه است و از دیگر آرایه‌های معنوی به کار رفته در آن، می‌توان به آرایه سجع، تناسب، تضاد، حسامیزی، جناس، واج‌آرایی و صنعت قلب و عکس اشاره کرد. از بین همه آرایه‌های به کار رفته، کنایه بیشترین کاربرد را دارد.

نسخه خطی ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ با توجه به اینکه یک داستان و افسانه حماسی با تم و موضوع

غنائی است؛ ولی نویسنده در لابه‌لای داستان، اندیشه‌های فکری خود را نشان داده است. عشق به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) آن حضرت یکی از مضامین فکری نویسنده است که در جای‌جای داستان به آن اشاره شده است. بحث استمداد و مدد گرفتن از مولا علی (ع) از پرسامدترین مضامین فکری است که شخصیت‌های داستان، هنگام مبارزه با دشمن با گفتن ذکر یا علی به میدان جنگ رفته و با دشمن می‌جنگیدند. بحث نذرونیاز کردن و رفتن به زیارت قبور بزرگان، مخصوصاً حضرت امام رضا (ع) از دیگر مضامین فکری نویسنده این نسخه خطی است. علاوه بر موارد مذکور، نویسنده، گاه‌گاهی به اندیشه‌های عوام و ادبیات عامه هم اشاره کرده است، بحث چشم‌زخم و موضوع حسادت از قدیم‌ترین باورهای بشر و احتمالاً فراگیرترین و رایج‌ترین باور فراعلمی در سراسر جهان است که در این اثر، نویسنده زیاد به آن اشاره کرده است. همچنین نویسنده، گاه‌گاهی به رسم و رسوم و سنت‌های رایج در جامعه ایران اشاره کرده و با اشاره به گروه عیاران و فتیان به سنت پایبندی به عهد و پیمان و سوگند به نان و نمک اشاره نموده است.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

- الله‌وردی کاشی‌ساز مشهدی، حاجی علی‌بن‌حاجی (ف ۱۷-۷۷) *ثلاثة العرایس و لذة النفايس*، مشهد: آستان قدس رضوی، شماره ۱۶۶۴۲. تاریخ کتابت: ۱۱۲۶ ق.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۸). *فهرست نسخه‌های خطی ایران (فخنا)*، تهران: نشر سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
- رضی، هاشم (۱۳۷۶) *وندیداد*، ترجمه واژه‌نامه، تهران: فکر روز.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۹۵) *کلیات سعدی*، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: یاقوت کویر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۲) *تاریخ ادبیات ایران*، جلد ۴، تهران: فردوس.
- عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۹) *اصول و مبانی نسخه‌شناسی در کتب خطی*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

فردوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۷۹) *شاهنامه*، تصحیح سعید حمیدیان، تهران: قطره.

قصاب کاشانی (۱۳۶۲) *دیوان اشعار*، به کوشش جواهری، تهران: انتشارات سنایی.

مجتبوی، سیدجلال‌الدین (۱۳۶۶) *علم اخلاق اسلامی*، ترجمه جامع السعادات نراقی، تهران: انتشارات حکمت.

مقالات

افروز، نرگس، حلبی، علی اصغر، و رنجبر، احمد. (۱۴۰۱). معرفی و بررسی ویژگی‌های سبکی سه رساله از سید محمد نوربخش خراسانی. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۵ (۵۶)، ۱-۲۶. doi:10.30495/dk.2023.701792

References

Books

The Holy Quran

Allahwerdi, kasisaz Mashhadi, Haji Ali Ibn Haji (F17-77). *The Three Graces and the Pleasures of the Beautiful*, Mashhad: Astan Quds Razavi, No. 16642, date of writing: 1126 AH. [In Persian]

Draiti, Mustafa, (2010), *List of Iranian Manuscripts (Fakhna)*, Tehran: Publishing Organization of Records and Library of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]

Razi, Hashem (1998), *Vandidad*, translation of the glossary, Tehran: Fekr Rooz. [In Persian]

Saadi, Mosleh al-Din (2015), *Saadi's generalizations*, corrected by Mohammad Ali Foroughi, Tehran: Yaqut Kavir. [In Persian]

Safa, Zabihullah (2004) *History of Iranian Literature*, Volume 4, Tehran" Ferdous. [In Persian]

Azimi, Habibullah (2011), *principles and bases of manuscripts in manuscripts*, Tehran: National Library and Records Organization of Iran. [In Persian]

Ferdowsi, Hakim Abulqasem (2001), *Shahnameh*, corrected by Saeed Hamidian, Tehran: Qatr. [In Persian]

Kasab Kashani (1984), *Divan of Poems*, edited by Javaheri, Tehran: Sanai Publications. [In Persian]

Mojtaboi, Seyed Jalaluddin (1988), *The Science of Islamic Ethics*, translated by Jame Al-Saadat Naraghi, Tehran: Hikmat Publications. [In Persian]

Articles

Afroz, N. Halabi, A. A., & Ranjbar, A. (2020). The Introduction and Investigation of Stylistic features of Three Dissertations by Seyyed Mohammad Noorbakhsh. *Interpretation and analysis of Persian language and literature texts (Dehkhoda)*, 15(56), 1-26. [In Persian]

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 16, Number 61, Autumn 2024, pp. 181-196

Date of receipt: 26/2/2024, Date of acceptance: 9/5/2024

(Research Article)

DOI:

Analysis Features of the style and content of the manuscript of the Three Graces and Lazhah al-Nafais by Haji Ali-Ben-Haji Allahwardi, a Mashhadi tiler

Shokofeh Bagheri¹, Dr. Shabnam Hatempour², Dr. Farzaneh Sorkhi³, Dr. Fereydon Tahmasabi⁴

Abstract

The past history of this land contains incidents and events that many researches have definitely not mentioned; Therefore, it is clear that the introduction of historical texts of the past plays a very effective role in revealing the obscure and dark corners and secrets of the past. The manuscript of *Thālāh al-Araīs wa Līdhah al-Nafīs*, by Haji Ali bin Haji Allahwardi, a Mashhadi tiler, is one of the unknown writers of the Safavid era in the twelfth century of the lunar calendar. In this article, the authors introduced the author and his valuable work in a documentary and library method and in a descriptive-analytical way. The subject of the book is the stories that the author has prepared by modifying and distorting famous historical events and traditions. In some parts of the stories, the attention to Imams (AS) is visible. In his book, the author, like the previous ones, has tried to imitate their linguistic style so that his work will be favored by Ahlul Fazl. For this reason, Beaufort has used the old uses of the language. The prose of this book is one of the examples of the 11th century prose. It has prose mixed with order and is full of phrasing, verses and poems of other poets. One of the important features of the text is the repetition and use of long sentences, and among the literary arts, we can mention the types of *saja*, balance, pun and assonance, which play a very wide role in creating the music of words. Also, similes and metaphors are used a lot. Most of the poems used in the text are from past poets such as Ferdowsi, Saadi and Hafez.

Keywords: Manuscript, Haji Ali bin Haji Allahwardi, Mashhad tiler, *Thalathah al-Araīs* and *Lezhah al-Nafais*, stylistics, Safavid era, story writing.

¹ . Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, shoushtar Branch, Islamic Azad University, shoushtar, Iran. shekofeh.bagheri1401@gmail.com

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, shoushtar Branch, Islamic Azad University, shoushtar, Iran. (Corresponding author) shabnamhatempour@gmail.com.

³ . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, shoushtar Branch, Islamic Azad University, shoushtar, Iran. sorkhifarzane@gmail.com

⁴ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, shoushtar Branch, Islamic Azad University, shoushtar, Iran. drftahmasbi@yahoo.com